

کتابخانه الحکیمیه

یا
فانوس

نوشتۀ: سید بن طاووس

ترجمہ: دکتر اسد اللہ مشری

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

فهرست

۱	مقدمه مترجم
۱	آغاز با نام خدا
۳	سلامت گذشتگان
۱۰	در شناخت خدای تعالی
۵۱	در پیمبری
۷۸	در امامت
۱۹۴	در آموختن علم فقه
۱۹۶	شرح کتابهای موجود نزد مولف
۲۰۹	کتابهای مؤلف قدس سره
۲۱۲	عبادات پنجگانه
۲۱۴	زکوة
۲۱۷	روزه
۲۱۹	حج
۲۲۱	جهاد
۲۲۳	تقاضای سیدین طاووس
۲۲۶	درباره امام عصر عجل الله فرجه شریف
۲۳۰	سیدین طاووس فرزند را به امام عصر (ع) می‌سپارد
۲۳۳	وصول پاسخ امام عصر علیه السلام
۲۳۸	سادات حسینی که قیام کردند
۲۴۰	عهدنامه مولا علی علیه السلام
۲۴۳	وصیتنامه مولا علی (ع)
۲۵۴	بیان مرگ
۲۵۴	توفیق طلب
۲۵۵	پندهای گوناگون
۲۱۱	اینک نامه

مقدمه

نار خندان باغ را خندان کند
صحبت مردانت از مردان کند

به حسین مجتهدی فرزندزاده‌ام:

فرزندم، ایزد بیچون را سپاس که در آغاز زندگانی با کتابی آشنا میشوی که علامه کبیر سید بن طاووس، الگوی فضیلت و تقوی در قرن هفتم هجری فرزند خود «محمّد» را به وصیت نوشته است، و علامه بزرگوار مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی، مثل درایت و پرهیز، در محرم سال ۱۳۷۰ قمری در چگونگی کتاب و زندگانی‌نامه مصتف ارجمندهش، بر آن کتاب طلیعه‌ای کوتاه رقم زده است، و در آن، با دقت و گنجکاووی بیمانند خود، از مشایخ و شاگردان او در روایت، و از آثار و تصانیف وی نام برده است چنانکه بر دهها کتاب علمی دانشمندان مقدمه و تعلیقه نگاشته است.

اینک، ترا که تازه به افق بیکران زندگانی چشم گشوده‌ای و همه چیز را با جلوه‌ای نومی بینی، و در پی دیدن و دریافتن بدایع جهان هستی گام می‌زنی، در این دیباچه، فشرده‌ای از زندگانی‌نامه این دو بزرگمرد باز می‌گویم تا پس از سعادت آشنایی با آنان، ارزش والای گفتارشان را چندان که درخور طاقت تو باشد دریایی، و از امواج نور این طرفه گوهران که در جزر و مد دریای گوهرزای هستی بدست آمده‌اند، جذوه‌ای به نصیب برگیری.

فرزندم، در این مجموعه با همه توان بیندیش و به یقین بدان که به گفته لسان‌الغیب حافظ شیرازی که می‌فرماید: «دولت آنست که بی خون دل آید به کنار» اکتون دولت آشنایی با این دو گرانمایه مرد برین تاریخ اسلام، ترا دولتی است بی خون دل، حتی بی هیچ تلاش، به کنار آمده.

اینک فرموده مولای متقیان امیر مؤمنان علی علیه السلام را به یاد می‌آورم که در نامه به فرزند گرامی خود «امام حسن» علیه السلام می‌فرماید: «... زان پیشتر که ترا دل سخت گردد و خرد در بند شود به تأدیب تو برخاستم تا پای استوار به عقیدتی روی آری که اهل تجربه ترا از طلب و آمودن آن بی‌نیاز ساخته‌اند. پس، تو از رنج طلب بی‌نیازی و از تلاش تجریت رسته.»

هشدار که مقام والای علمی این دو علامه، و پایه بلند اخلاقی شان؛ «طینت آدم مخمّر می کند.» و ساحت حیات انسانی را منور میگرداند.

پس دریاب که فکر بلند و طهارت دل و خلوص ضمیر ایشان گریزگاه دل‌های رعبیده و آسایشگاه روان‌های رنجیده و آموزگار درس مقصود از کارگاه هستی است.

به گفته مولای مثنویان (ع) «بهترین سخن آنست که در آن سودی باشد.» و هر کس بهترین سخن و بهترین هر چیز را برای فرزند می‌خواهد.

پس اینک این کتاب گنجینه سخنان بدیع دو دانشمند گرامی است در خلوص بندگی حق تعالی موفق، که یکی در سپهر تعقل بشر آفتابی است بی زوال که جهان صداقت و صفا می‌پرورد، و آن دیگری با نوشتن طلیعه‌ای کوتاه با خامه استوار، بر آن طلعت جمیل پیرایه‌ای دیگر بسته و فروغ آن را چون مشعلی آفتاب کردار به ما تابانده است و باری دمست امین روزگار این دو چشمه نور را به ما سپرده و امروز از خلال سال‌های سال ما را روشن می‌گرداند، و تا گنجینه افکار بشر باقی است نثار آن فروغ و درخش آن پیرایه برقرار خواهد بود و همچنان برقرار باد.

پس، در مقابل گنجینه‌ای چنین عظیم که به حقیقت قبله اهل نظر است به ادب باش، و سپاس خدای گوی و از آستان مقدسش بخواه که از انوار آن گوهران، دل و جان ترا منور گرداند و در این زمزم شفا بخش شستشوی دهد.

این کتاب حاصل عمرهای گرانبهایی است که از رد پای روندگان این صحرای بیکران در مسیر قافله بشر بر جای مانده است، رد پای بیدار دلانی آزاد از گرانجانی و رسته از بار سنگین خودستایی و ریاکاری.

نویسنده کتاب با نور توحید اشراقی، در همه احوال خدای را آشکارا می‌بیند و به خواننده می‌نمایاند، جوینده حقیقت را چه نیکبختی بالاتر از این؟



سید بن طاووس که شرح خاندان او با قلم موی شکاف علامه آیه الله حاج آقا بزرگ تهرانی در طلیعه این کتاب آمده است بزرگمردی است که دانش و پارسائی او، سرمشق ارباب دل و اصحاب یقین است. با قلبی از انوار و نیروی لایزال قرآن مجید سرشار و از سرچشمه جاوید سخنان پیغمبر اکرم (ص) و اوصیای او (ع) استوار و پُر درخش، این درفش نور را برافراشته برافروخته برپای داشته است و اکنون وظیفه هر کس آنست که این آتش پرفروغ را از کانون بینش هر نسل به نسل دیگر برساند و مایه دلگرمی روندگان کوی مقصود گردد.

اشاراتی که در این کتاب به نکات دینی و اخلاقی شده است مجموعه فرهنگ اسلام راستین است که مقبول همه مسلمانان متفکر و پارساست با این ترازوی دقیق میتوان ارزش ادعای کسانی را که به غلط خود را ترازو دار بد و خوب کردار مردم می پندارند به درستی سنجید.

در این کتاب می بینی که به نمونه شرف و بشری، ترازوی «احد خو» یعنی علی امیر مؤمنان (ع) و فرزندان او که درود خدای بر آنان باد، ناکس ترین افراد، چه ناروایی ها روا داشته اند!

و می بینی که آن حوادث، نقطه های عطف تاریخ بوده و هر یک مسیر نیکبختی بشر را منحرف کرده است.

بخشهای این کتاب هر یک لبریز از معانی علمی و دقایق اخلاقی است. مثلاً یکی از افکار جالب سید بزرگوار در این رساله اینست که هر کس باید لحظه بلوغ شرعی خود را که مشیت الهی تاج پرافتخار تکلیف بر تارک او می نهد جشن بگیرد. در تاریخ زندگانی هر کس، آن دم زمان پایدار نیکبختی است که پروردگار جهان او را به شرف تکالیف انسانی و نیایش به درگاه مقدس خود توفیق عنایت می فرماید، اما چنین معمول شده است که مردم، روز تولد را جشن بگیرند. لحظه تولد، برای همه موجودات یکسانست. انا، آدمی را آن لحظه، لحظه قدسی و دم نیکبختی است که به تشریف بندگی پروردگار و تکلیف اجتماعی سرفراز می گردد.

این فرزانه گرانقدر، در این کتاب علت دوری جستن خود را از کار قضا و فتوی شرح می دهد و مطلب بسیار مهم اجتماعی را، که انتخاب اداره کننده ملت است، تشریح می کند که چه کسی را و چگونه باید برای اداره جامعه برگزید.

بخصوص از نوشته های این حکیم فرزانه، القای آیین جوانمردی و شیوه فداکاری است که آیین تبار و ملت اوست (مراجعه شود به انوارالساطعه تألیف علامه حاج آقا بزرگ در کلمه «ابن طاووس»).

فردوسی جهانشمول این معنی را با این دو بیت القا میکند:

میاژاموری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است
پسندی و همداستانی کنی که جان داری و جانستانی کنی؟

فرزدم: هر بخشی از این کتاب فصلی از فرزادگی، و آزادگی و طوماری از مردمی

است و باید منظور و مفهوم آنرا به ژرف‌اندیشی دریافت. این بزرگمرد، فضیلت و صفای دل و آرامش ضمیر به آدمی می‌آموزد، و او را به جهان‌نماز و نیاز و عشق و ایثار راهی می‌سازد.

اینک ای فرزند، این فرزندگان وارسته را در عالم خیال با نامداران تاریخ بشر مانند اسکندر و دارا و آتیلا و چنگیز و... بسنج که «پنج‌روزی» در مقام «میرنوروزی» با خیانت پیگیر و خون‌دل در تیره‌بختی حکم راندند و چندانکه توانستند بشر را به مفاک تیره‌روزی کشانند بالجمله به حسرت نهادند و به حسرت مردند.

آیا می‌خواهی از کدامیک از این دو گروه باشی؟ از هم اکنون تصمیم بگیر و در آن صف که می‌پسندی درآی.

در محضر این بزرگان واقعی (بوحیفه و شافعی درسی نکرد) و نباید (از شافعی امثال این مسائل را پرسید).

اینان، دل گرفتار تناقص را با فرهنگ پاکیزه بشر آشنا می‌کنند و آرام می‌بخشند. درفش تاج تقوا را بر تارک فرزندگان، سبکبار نشان می‌دهند و دل صحتمند را شیفته آن می‌کنند.

فرزندم، این مردان گرانمایه، پشتوانه انسانیت و سعادتند. اینان، کوشای نجات دادن غریقند نه دریی بدر بردن گلیم خویش از موج حادثه. سخنان والای اینان که ناشی از نهاد پاکیزه و سرچشمه توحید است، بشر سرگردان در تیره خودپرستی و لذت‌جویی و سودای زراندوزی و ستمگری را سبکبار می‌گرداند. و به مردم می‌آموزند که:

«به ایثار مردان سبق برده‌اند، نه شب زنده‌داران دل مرده‌اند»

و می‌فهمانند که عبادت واقعی «به تسبیح و سجاده و دلق نیست.»

سید فرزانه می‌گوید مردم را از روی حقیقت با یکدیگر همراز و همدل گرداند و چنان کند که از روی معرفت خدای را بپرستند و مددگار یکدیگر باشند: «اگر از شما دیناری بریابند یا گم شود اندوهگین می‌شوید و برای یافتن آن به جان می‌کوشید اما اگر تا کسان و نامردان مال کسان را تاراج کنند هیچ ناراحت نمی‌شوید، این چه همدردی و همکیشی است؟»

فرزندم در جهان اسلام بسیار بوده‌اند و بسیار خواهند بود که فقه و اصول و کلام و انساب و تاریخ ادیان و قرآن کریم را با چهارده روایت بدانند، و از آن میان بسیار

کسان که به حقیقت جبین بندگی بر آستان ارادت حق تعالی بسایند و به درگاه مقدس الهی روی نیاز آورند و همه عمر در ایثار و خلعت خلق به سر برند، و از آن میان بسیار مردمان که رها از رنگ و ریا و سبکبار از بار گران خودپرستی زیسته باشند و شرک خفی و خودپرستی را که به فرموده سر حلقه اهل نظر خواجه کاینات: «در دل صدیقین از رد پای مور در ژرفای تیره چاه، در دل شب دیجور بر تخته سنگی تیره رنگ ناآشکارتر است» از صفحه دل زدوده باشند، با این همه، در مقابل بدکاران و جنایتکاران و دزدان و عفت کشان جامعه قد علم نکنند و دست پلید اینها را از سر مردم کوتاه نسازند. این گفته مولانا علی امیر مؤمنان علیه السلام را فراموش نکنیم که: «تنها اندوه من بر شما اینست که مردم فاسق و بدکار بر امت مسلمان ولایت یابند و چیره شوند و مال خدا را دست بدست میان خود بگردانند و کتاب خدای تعالی را وسیله نیرنگ و تزویر قرار دهند، با فاسقان و بدکاران یار شوند و با نیکان بجنگند.»

سید، علامه بزرگوار، در این کتاب شمه‌ای از عقاید خود را در مباحثه با زعمای فرقه‌های گوناگون به اختصار بیان می‌کند که مطلب آنرا باید به شرح و توضیح باز گفت و با تفسیر تدریج کرد. مثلاً بر ضد فلسفه معتزلیان که می‌خواهند وجود مقدس الهی را با دلیل اثبات کنند بیاناتی رسا دارد مبنی بر اینکه هستی پروردگار بدیهی است و نیازی به استدلال ندارد. در حقیقت گفته زیبای لسان الغیب را که میفرماید: «جلوگاه رخ او دیده من تنها نیست ماه و خورشید همین آینه میگردانند.»

به لحنی دیگر بر دل می‌نشانند.

فرزندم، امیدوارم مطالعه این کتاب نگذارد که لکه‌های زشت آرز و نیاز دنیاپرستی و بدخواهی و بدگویی و تنبلی و بی‌اعتنایی به مصالح دیگران، بر صفحه دلت نقش بندد.

نیکبخت آن که از داروخانه افکار این کتاب داروی شفابخش بدست آورد و بکار بندد و به آرامش دل و صفای خاطر برسد و هم آن‌سان که نویسنده این کتاب و طلبه‌نویس بر آن بوده‌اند در همه حال گفتار و کردارش با یاد خدای کریم توأم باشد، و مگر از درگاه مقدس او نیازی نخواهد و جز رضای او چیزی نطلبد و در محیطی سرشار از عطر دل‌آویز یاد پروردگار، غرقه توجه به انوار نعمتهای کردگار، پیوسته با کُلِّ هستی دست در دست، در این باغ بیکرانه و پرنقش عجب سیر کند و در خدمت دلهای پریشان به بندگی باری تعالی پردازد.

اینک به عنوان مثال برای توضیح بیان سید بزرگوار با معتزلیان، و دلیل همکاری او با «هولاکو»، نکته ای را یادآوری می کنیم:

(شهرزوری) شاگرد (سهروردی) می گوید: موحدان اسلامی بر دو گونه توحید می اندیشند: توحید اشرافی و توحید عددی. توحید اشرافی بر پایه (رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند) مبتنی است. پس، جز ذات اقدس الهی همه موجودات را ماهیات و وجود اعتباری می دانند. دوم توحید عددی که دارای ریشه توراتی است. همین توحید است که مولانا علی (ع) امیر مؤمنان آنرا در خطبه اول و بسیاری دیگر از خطبه های خود در نهج البلاغه، نفی می فرماید. اختلاف بین این دو نحوه تفکر بخوبی مشاهده می شود. در «توحید اشرافی» رابطه میان خدا و ذرات هستی گسستگی نیست. خورشید را نمی توان دید اما وجود گویاتر و روشنتر از آن در اقطار هستی نیست. خدای را نمی توان دید اما جزا و موجودی نیست. لذا مولانا امیرمؤمنان (ع) می فرماید: «لم اعبدر بآلم اره» (پروردگاری را که نبینم، نمیپرستم). پس دوره فترت وجود ندارد تا بتوان انجمن کرد و جانشین پیمبر (ص) را برگزید.

نکته دیگر در این اثر برپها اشاره به این نکته است که شیعه به خلاف فکر توراتی، فیض الهی را منقطع نمیداند و خدای را در سراسر هستی موجود می داند و می بیند. او فیاض مطلق و واهب الصور است.

این بود مختصری از زندگانی و اسلوب تفکر و عقاید سید بن طاووس (ره).



اما مرحوم شیخ بزرگوار علامه، حاج آقا بزرگ تهرانی نویسنده طلیمه بر این کتاب کیست؟

این علامه شب پنجشنبه یازدهم ربیع الاول ۱۲۹۳ هجری قمری، مطابق هشتم آوریل ۱۸۷۶ میلادی در «سه راه دانگی» تهران متولد گردید.

و او را به نام جد پدری «مرحوم حاج محسن تهرانی»، «محسن» نام نهادند. از اینرو به عادت قدیم تهرانیان به لقب «آقا بزرگ» نامیده شد.

فرزانه نامی که مدت یک قرن با عمری سراسر توفیق و نیکبختی روحانی زیست، به گفته نزدیکان ارادتمندش و به گواهی آثار بی شمار و ارزنده اش دانشمندی بود در پارسایی میزان اهل پرهیز و نمونه کوشش و تحقیق.

بعضی معتقدند این علامه بزرگوار، «روش محدثان» داشت نه فقیهان و فیلسوفان. اما در آثار پر ارزش و بسیار او روش نقد حدیث دیده می شود و می بینیم احادیث را با دیده تحقیق و تعقل می سنجیده است.

منیاب مثال داستان «جزیره الخضر» را یادآوری میکنیم که با دقت و تحقیق، ساختگی بودن آنرا روشن گردانیده است. اینک حاصل تحقیقات علامه بزرگوار: «جزیره الخضر» نوشته علی بن فاضل مازندرانی در قرن هشتم تألیف شده بود. (طبقات اعلام الشيعة صفحه ۱۴۵). در زمان شاه عباس اول و جانشینان او، نوشته مزبور را به کتاب (کاشف الحق) تألیف (معزالدین اردستانی قرن یازدهم) الحاق کردند و آن مجموعه را «حدیقه الشیعه» نامیدند و به نام علامه مقدس اردبیلی انتشار دادند، حالی که دانشمند مزبور در ۹۹۲ درگذشته و «معزالدین» در قرن یازدهم میزیسته است و علامه اردبیلی خود از فیلسوفان بوده است.

علت این الحاق که به دستور حکومت صفوی صورت گرفت این بود که شاه عباس و جانشینان او به علل سیاسی برضد فیلسوفان و صوفیان و متکلمان قیام کردند، قیامی خونین. و در آن روزگار میان فیلسوف و صوفی و متکلم تفاوتی نمی گذاشتند هر کس به فلسفه نزدیکتر بود فیلسوف نامیده می شد، و به تصوف نزدیکتر، صوفی و به کلام نزدیکتر، متکلم. صفویه برای ادامه حکومت بخصوص با داشتن دشمنی مانند حکومت عثمانی، نیاز داشت که صورتک فشری بودن بر چهره بیاویزد، لذا داستان «جزیره الخضر» را به اینصورت درآوردند.

یکی از آثار بزرگ و تاریخی علامه تهرانی، دوره کتاب «الذریعه» است. در سال ۱۹۱۱ میلادی، «تاریخ تمدن اسلامی» به قلم جرجی زیدان منتشر شد. (و این کتاب در چهار جلد به فارسی ترجمه شده است.) و کتاب «آداب اللغة العربیة» نیز از همان نویسنده انتشار یافت. این نویسنده مسیحی در این دو کتاب، دین اسلام را پرچم ملی گرای عرب معرفی کرده و آن را در مذهب تسنن متجلی دانسته و مذهب شیعه را یک حرکت ایرانی ضدعرب به حساب آورده است. وقتی این مطلب به اطلاع علمای نجف رسید، سه تن از دانشمندان نامی ایران مقیم نجف: مرحوم علامه سید حسن صدر (متوفی به سال ۱۳۵۴ هجری قمری)، و مرحوم کاشف الغطاء (متوفی به سال ۱۳۷۱) و مرحوم علامه حاج آقا بزرگ تهرانی، پیمان بستند که هر یک به طریقی، گفته ناصواب جرجی زیدان را پاسخ گویند. مرحوم سید حسن صدر، کتاب «تأسیس الشیعه» را نوشت و آن در دو جلد به چاپ رسید؛ علامه حاج آقا بزرگ

تهرانی کتابشناسی شیعه یا تاریخ ادبیات شیعه یا «الذریعه» را تصنیف فرمود و در حقیقت در مقابل ناسیونالیسم عربی قیام کرد. علامه تهرانی از سال ۱۹۱۱ میلادی تا ۱۹۳۶ به فراهم آوردن این دایرةالمعارف همت گماشت و در همان ایام در کنار آن، کتاب «طبقات الشیعه» را نیز پرداخت، و آن، تاریخ رجال شیعی است برحسب هر قرن.

«الذریعه» در حقیقت هم کتابشناسی است هم نسخه‌شناسی.

در این اثر عظیم موضوع هر کتاب و فصول آن و تاریخ چاپ هر یک و زبانی که کتاب به آن زبان ترجمه و چاپ شده است، و هویت ترجمان آن، و محل چاپ آن، و آثار چاپ نشده نویسنده کتاب و محل فعلی آن نسخه، تعیین شده است. از مزایای مهم «الذریعه» نقد احادیث تاریخی است که بعضی را پذیرفته و بعضی را با دلائل عقلی مردود شناخته است. داستان جزیره الخضراء، نمونه‌ای از این قبیل است.

دوره «الذریعه» تا سال پیش از انقلاب ایران در ۲۹ جلد، از حرف (الف) تا (یاء)، به ترتیب نام کتابهای شیعه به چاپ رسید. شش جلد از «طبقات الشیعه» در زمان خود مؤلف ارجمند در نجف اشرف به چاپ رسید و مجلدات مربوط به قرن چهارم تا پایان قرن هشتم برای هر قرن یک جلد از زندگانی‌نامه علمای شیعه به ترتیب حروف الفباء به همت و پشتکار فرزند گرامی و دانشمند آن علامه گرانقد، دکتر علینقی منزوی، در بیروت چاپ شد و قرن نهم و دهم بوسیله آقای دکتر منزوی از طرف انتشارات دانشگاه تهران چاپ گردید و قرن یازدهم اکنون زیر چاپ است.

دیگر از تألیفات آن فرزانه، کتاب (مصفی المقال) است که در ۶۱۶ ستون، هر صفحه معادل دو ستون، با تصحیح و تعلیقه‌های فرزند دوم علامه تهرانی، «احمد منزوی»، دانشمند کوشا، چاپ شد.

علامه حاج آقا بزرگ، از شاگردان برجسته مرحوم آخوند خراسانی و حاج میرزا حسن نوری صاحب «مستدرک» بود و «الذریعه» را در مقابل کتاب «کشف الظنون» حاج خلیفه که فهرست کتب عامه است، نوشت.

باید توجه داشت که بر امامیه، مدت سیزده قرن گذشت و با آنکه در هر قرن علمای بی شمار داشت اما هیچکس بعد از این ندیم، این وظیفه بزرگ و پرازش را صورت نیست که نام علمای شیعه و آثارشان را ضبط کند. تنها، همت مردانه و اطلاعات گسترده و دقیق این علامه بود که با توفیق و سهم الهی این امر مهم را انجام داد. «الذریعه» فرهنگستانی است بزرگ و ارجمند که برای تنظیم آن، به سازمانی